

سرمقاله

❋ (از چه کسی در این دنیا یاری بخواهیم که کشتار را محکوم کند؟! هر طور که می خواهی محکوم کن چه ارزشی دارد... محکومیت آنچه در سلاخ خانه می گذرد؟! محکوم کردن قدرت باروت را کم نمی کند...) اینها بخش هایی از ترانه ای است که «امیر عید» خواننده مصری پس از هجوم ماشین کشتار صهیونی به غزه در اواخر پاییز ۱۴۰۲ در یک جشنواره اجرا کرد. او در بخش دیگری از همین قطعه چنین می خواند: «مهم نیست دنیا چه می گوید، آزاده بمیر و در ذلت زندگی نکن، و الهام بخش نسلی پس از نسل دیگر باش و یادشان بده، چگونه برای این قضیه (فلسطین) زندگی کند و بمیرد...» خواننده ۴۱ ساله مصری شخصیتی سیاسی نبود اما با شهودی فرهنگی و هنری به درک درستی از نظامات بین المللی و مواجهه با رژیم اسرائیل رسیده بود.

دنیا و نظامات فعلی حاکم بر آن جنگلی بیش نیست. قدرت نداشته باشی، توسط گرگ های انسان نما دریده خواهی شد. در چنین صحنه ای مهم نیست دیگران، عملیات دریدن انسان ها را محکوم می کنند. صهیونیسم، این گل سرسبد غرب و آمریکا از ابتدای جنگ غزه جان حدود ۶۰ هزار انسان را به انحای مختلف گرفته؛ از توپ و تانک و اسلحه و گرسنگی دادن و قطعی تحمیلی گرفته تا همین امروز با حمله به امدادگران و خبرنگاران در برابر دوربین های زنده تلویزیونی.

اروپایی ها کشتارها را محکوم می کنند. امریکایی ها اسرائیل را دعوت به کند کردن لبه تیز حملات می کنند. در میانه همه این محکومیت ها و خویشن داری ها اما زنجیره تأمین ماشین کشتار صهیونی همچنان برقرار است. دُم خط زنجیره تأمین هم به هزارتوی زهدان صنعتی و تسلیحات همین کشورهایی می رسد که برخی با قوت مشغول محکومیت اسرائیل یا دعوت به خویشن داری او هستند. خیلی که رگ بشری و انسانی شان بجنبند، رضایت صهیونیست ها را جلب کنند که با هواپیماهای ترابری، محموله هایی معدود از هوا برای گرسنگان غزه پرتاب کنند و مگر می شود نیازهای یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر انسان را با چند سورتی پرواز ترابری تأمین کرد؟! پروازهایی که صرفا به درد عکس یادگاری جلوی رسانه و خواباندن تورم حقوق بشری می خورد. در چنین جنگلی فقط باید قوی بود. یا باید توده سرطانی ابلیس را یکجا از لاله کرده یا رگ های حیاتی اش را قطع کرد و زخم های پی در پی به او زنجیره تأمین حیات و بقایش وارد کرد؛ زخمی از پی زخم دیگر. ترجمان این راهبرد همان اقدامی است که این روزها برادران مسلمان یمنی مشغول انجام آنند. خواننده محبوب مصری یک بار روی صحنه یک جشنواره چنین اجرا کرده بود: «هر طور که می خواهی محکوم کن؛ چه ارزشی دارد محکومیت آنچه در سلاخ خانه می گذرد؟! قدرت باروت را کم نمی کند» حالا اما مسلمانان آزاده یمن دارند این منطق را روی صحنه دنیایی با قوانین جنگل اجرا می کنند.

باید به رگ حیات و پاشنه آشیل صهیونیسم ضربه زد. ضربه از پی ضربه دیگر. ضربه زدن است که قدرت باروت را کم می کند. ❋

خنجر یمنی بر شریان صهیونی

من بعد از جنگ

کاروان حاج تقی

جنگ که شد، خیلی ها رفتند. تهران شلوغ، پر از خالی شده بود. ته دلم آشوب بود. راستش را بخواهید ترسیده بودم. همسرم گفت: «آماده شید برسیم به کاروان حاج تقی».

حاج تقی از آن دست روحانی های کاربلد و جهادی بود که نقطه زن عمل می کرد. این بار با چند تا از طلبه ها ایده «کاروان پرچم» را راه انداخته بود.

از ۵ عصر تا ۱۰ شب به مکان های پررفت و آمدی که حالا خلوت شده بود، می رفتند. بین مردم شربت پخش می کردند و بچه ها سرود حماسی می خواندند.

میدان ولیعصر پیاده شدیم. زن مانتویی بایک دست روسریش را جلو کشید و با دست دیگر پرچم ایران را محکم تر گرفت. دختر بلوز-شلواری هم تلاش می کرد تا موهای لختش زیر شال سفید رنگش پنهان کند و بعد پرچم را با قدرت تکان داد. لیکن بین مان نامه رسان شد. اینجا همان خط تلاقی هویتی دینی و ملی ما بود. یک عمر از هم فاصله داشتیم، اما حالا با همرنگ و عقیده ای پرچم به دست کنار هم ایستاده بودیم. «وطن» ما را به هم برگردانده بود.

زهرامرتضایی

پیام صوتی خانم L.parsa خطاب به نیروهای مسلح ایران:

بسم الله الرحمن الرحيم. این صدای ملت ایران است، ملتی با خون آریایی و غیرت علوی. ای مهد تمدن و روشنفکری! بوی تعفن تان تمام دنیا را گرفته،

پس بدانید ما کمر به نابودی شما بسته ایم حتی اگر در این دنیا فقط یک ایرانی باقی بماند، او بر شما شمشیر خواهد کشید. تسلیم در منش و رسم ما نیست چون ما سربازان منتقم زهراییم. این صدای ملت ایران است؛ الله اکبر.

این صدای ملت ایران است



KHAMENEI.IR | فارسی
@Khamenei_fa

بایستی راه کمک رساندن به رژیم صهیونیستی بسته بشود؛ راه کمک به آنها بسته بشود. این کاری که امروز مردم شجاع یمن انجام میدهند، کار درست است؛ کار درست آن است.

گروه های جهادی پای کار ایران

حضور فعالان جهادی در
آواربرداری و کمک به بازسازی
خانه های تخریب شده در
حملات رژیم صهیونیستی به
منازل مسکونی در تهران

این شماره روزنامه تقدیم میشود به

شهید
علیرضا محمدی



یک ایران، همدل است

